تصویر تواتر در بیستویک طریق چهارده روایت

شاگرد: بیستویک طریق مجزا از هم هستند؟

استاد: اگر شجره اینها نوشته شود خیلی خوب است. کتابی که برای آقای حکمت شادی که از کویت بود، اسمش چه بود؟ او بخشی از اینها را به‌صورت شجره می‌آورد. اما ایشان اصل مشکل کتابش این است که حرف ابن مجاهد را غلط معنا می‌کند. می‌گوید ابن مجاهد گفته که یکی از اینها درست است. درحالی‌که عبارت ابن مجاهد اصلاً این نیست. ان شالله بحث می‌کنیم. یعنی شما بنویسد عاصم- حفص؛ بعد حفص در النشر دو طریق دارد. عمرو بن صباح و عبید بن صباح. همین دو نفر هستند. یعنی در النشر تنها دو طریق دارد. اما تا شانزده راوی برای حفص هست. در جاهای دیگر شما می‌توانید آن‌ها را ببینید.

شاگرد: این بیستویک طریق فقط طرق خاص هستند که به آن روایت ها طریق هستند؟

استاد: بله. خود شخص می‌گوید که اقرئنی فلان. سند متصل است. اجازات بحارالانوار را ببینید. مثلاً صاحب غنیه مقری بزرگی هستند. پسر بردارشان –سید جلیل القدر- می‌گویند عموی من این اجازه را به من داده‌اند. عموی ایشان چه کسی هستند؟ صاحب غنیه. سید ابوالمکارم. می‌گوید ایشان به من اجازه داده‌اند. بعد سند خودشان را می‌آورد و به تبصره می‌کی، به تیسیر دانی. اساتید تیسیر دانی هم معلوم هستند. او هم می‌گوید اقرئنی فلان و.... هم روا لی دارد و هم اقرئنی. یعنی سندها متصل است تا در جلسه اقراء حاضر نمی شده و نمی شنیده و نمی خوانده –عرض و اداء- به او اجازه نمی داده.

شاگرد:امتیازشان این بوده که متواتر بودند؟

استاد: بله.

شاگرد2: هر کدام از این چهارده تا و بیست و یکی؟

استاد: نه، برای مجموعشان.

شاگرد: چیز زیادی نمی‌شود.

استاد: بله، نکته هم همین است. بعداً عرض می‌کنم که خود زرکشی چه گفت؟ گفت اینها الی ارباب‌ها متواتر است، سندها را هم که نگاه می‌کنید واحد از واحد است. درحالی‌که خود اینها می‌گویند اگر ما اسم استاد می‌بریم برای این است که سند متصل شود. نه اینکه این قرائت را او قرائت

کرده باشد. این قاری نمایندهٔ بلد خودش است. نمایندهٔ قرائت منطقهٔ خودش است. نه اینکه قرائت او باشد. لذا این بیستویک طریق چرا متواتر است؟ چون طریق هایی است که نمایان گر قرائت است که همه مردم آن قرائت را قبول داشتند. هر کجا آن را میخواند همه میدیدند که از بچگی به گوششان خورده است. و لذا ابن کثیر وقتی در مکه خواند «او من وراء جدر»، سر او داد زد که «ارجع الی قرائهٔ قومک؛ من وراء جدار». چرا؟ چون اهل مکه و مدینه میخواندند «من وراء جدار». بصری ها هم «جدار» میخواندند. عاصم در کوفه «جدر» خوانده است. منظور اینکه سریع میفهمیدند و میگفتند «ارجع الی قرائهٔ قومک».

شاگرد: علتی که این بیستویک طریق به این صورت معروف شد بهخاطر تبصره و تیسیر بود. ابن جزری در النشر سه تواتر دیگر را هم زنده کرد؟

استاد: تواتر را که در تحبیر زنده کرده. ببینید با عشر صغری تواتر را زنده کرد. شهید اول هم که میگویند تواتر، چقدر چیز میدانستند که ما نمیدانیم. ابن جزری آمد تحبیر التیسیر نوشت. یعنی طرق تیسیر را برداشت، عین همین طرق را برای عشر آورد. پس شد عشر صغری. یعنی ده قرائتی که همه با این بیستویک طریق هستند. طریق ها واحد است.

شاگرد: بیستویک طریق و چهارده روایت.

استاد: دراینصورت میشود بیست راوی. راوی ها فرق میکنند. من توجه نداشتم. خیال کردم که فقط راوی ها را میگویید. کلمه چهارده از ذهن من رفت. این معلوم است. وقتی نگاه کنید راوی ها فرق میکنند. یعنی راوی یعقوب حضرمی –آن سه تا- حفص و .. نیستند. حفص فقط راوی عاصم است. ابن شعبه فقط راوی عاصم است. راوی های حمزه فرق میکنند. هیچکدام از این روایت با هم مشترک نیستند. بله، ابوعمرو دوری، دو-سه تایشان هستند.

شاگرد: یک حفصی داریم که هم در عشر کسائی است و هم در ابوعمرو دوری است.

استاد: بله، ابوعمرو دوری. الآن هم مصحفش چاپ شده. ده مصحف عثمان طه را نوشته است. اول مصحف حفص را نوشت. به نظرم بعد از حفص، ورش را برای الجزائر نوشت. بعد از آن شاید قالون را نوشت. تاریخ اینها هست. مصحف هایش هم در اینترنت موجود است. بعد هم دوری را نوشت. سوسی را هم دارد. ده مصحف است با خصوصیتی که هر مصحفی با هم فرق میکند.

بازبینی #2
ایجاد شده 22 آوریل 2024 14:38:19 توسط ... .
به روزرسانی شده 29 مه 2024 14:46:15 توسط ... .